

سید مصطفیٰ محقق داماد



بیمه متقابل در پیشینه اسلامی

• ضمان قاطعه و جریره •



زندگی گروهی، نقطه آغازین بیمه بوده است، ولی یقین زمان پیدایش بیمه و شناسائی گروههای توسعه دهنده آن، مستلزم تحقیقی ژرف در تاریخ تمدن بشری است.

تمدن شدن بشر اولیه، ملازمه با اسکان وی در ناحیه‌ای معین، و اشتغال بکار کشاورزی و برخورداری از شهر و حکومتی مشترك دارد (۱).

بنا بگفته این خلدون جامعه‌شناس و مورخ شهیر: «اشتیاق وافر آدمی به پیشرفت است که نیروی پر بار مدنیت‌گرایی را در وجودی دامن می‌زند» (۲). تا این ودیعه که نمونه عالی سیر تکاملی اوست، بنحو بارزی تجلی یابد.

بنا به تعبیر فلاسفه، بشر حیوانی اجتماعی است و بدون تعاون جامعه‌همنوعان، زیست وی مشکل است، و تنها در مجموعه هم‌نوعان خود است که با بروز علائق، ایجاد ارتباطات و مبادلات، در نهایت به تشکیل سازمان اجتماعی قادر می‌شود. بقول افلاطون: «جامعه از متن نیازهای اجتماعی ظهور می‌کند» (۳).

۱- رجوع شود به چکیده تاریخ تألیف ولز ص ۱۵۹.

The outline of history .

۲- رش به مقدمه این خلدون مجلد یکم ص ۸۹.

۳- رش به تاریخچه نظریات سیاسی تألیف ساین ص ۵۵.

A history of political Theory .

براساس اینکه جامعه‌ای چگونه به حیات خود ادامه می‌دهد، جوامع را به سه دسته تقسیم کرده‌اند. — جامعه وحشی، جامعه بربر و جامعه مدنی. در جامعه وحشی افراد صرفاً به جمع‌آوری غذا و شکار می‌پردازند. در جامعه بربر، علاوه بر این امور، آئینی برای تدارک غذا از طریق شخم زمین دشتها و پرورش حیوانات دارند.

توسعه و پیشرفت جامعه بربر، منجر به جامعه متمدنی می‌شود که در آن همه افراد الزاماً در پی تهیه غذا نیستند، بلکه برخی در قبال ارائه خدماتی ویژه، آنچه را دیگران فراهم کرده‌اند بمصرف می‌رسانند؛ «از امتیازات دیگر این جامعه آنستکه صرف خویشاوندی موجب نزدیکی و گرد آمدن آنان نبوده، بلکه وجود شهر، عامل نزدیکی آنان است»<sup>(۴)</sup>.

ترکیب جوامع بشری، در مرحله ابتدائی خود، احتمالاً همانند زندگی حیوانات اهلی بوده است، یعنی «اجتماع افراد برای تعاون و دفاع در مقابل تهاجمات دیگران و بلیات طبیعی بوده که تدریجاً گرایش آنان را به زندگی گروهی منجر به تشکیل خانواده سبب شده است»<sup>(۵)</sup>.

در اجتماع متمدن، خانواده پایه و بنیاد است و زمانی که خانواده توسعه یافت، افراد آن تشکیل گروه خاص یا قبیله را می‌دهند و بگزینش جد مشترکی برای خود اقدام می‌کنند.

«رالف ترنر» می‌نویسد: «تقریباً تمامی ملل بدوی معاصر در قالب خویشاوندیهای گروهی سازمان یافته‌اند که بصورت دو قبیله‌اند. یک قبیله‌ای که شجره اشخاص در خط‌انث به مادر منتهی می‌شود. دو، قبیله‌ای که اشخاص وابسته بهم، شجره آنان به پدر انتها می‌گیرد.»<sup>(۶)</sup>

تاریخ تمدنهای آغازین به هزاران سال پیش از تولد حضرت مسیح باز

۴- ر.ش به چاپ جدید فرهنگ شامبرز مجلد سوم.

Encyclopedia Chamber's pp.2, 601.

۵- ر.ش به کتاب بررسی تاریخ تمدن و عناصر متشکله آن اثر مورس.

Civilization an historical review of its elements Voluml, P.126, 127.

۶- ر.ش به کتاب یک رسم فرهنگی بزرگ اثر ترنر.

The great cultural tradition P. 79, 80.

می‌گردد، و مورخین، مصرویین النهرین را از قدیم‌ترین مراکز تمدن (۷) و با احتمال زیاد از اولین مراکز استقرار دائمی بشر معرفی کرده‌اند، چه آنکه این سرزمین در پناه رودهای نیل و دجله و فرات حاصلخیز بوده، و آدمیان با توقف در دامن آن، از سرگردانی و کوچهای پیاپی رهایی می‌یافته‌اند (۸).

این گفته بجاست که زمین عامل و انگیزه بزرگی برای گردهمائی است (۹). و لذا گروههای وابسته به نمادهای توتمی، زمانی که در سرزمینی استقرار یافتند چنانست که گوئی شهری ایجاد کرده باشند.

زندگی گروهی در این وضع، در متن یک سازمان خطه‌ای از بین می‌رود و همانطور که (سامرین) در اثر خود بنام «تاریخ نهادهای باستانی» گفته است، بمحض آنکه قبیله‌ای در سرزمینی استقرار یافت، خاک و زمین، جایگزین رابطه خویشاوندی که بمثابة بنیان سازمان اجتماعی او بوده می‌گردد (۱۰).

مطابق نظر دورکهایم: «دو سازمان توتمی و سرزمینی در تضاد متقابل با یکدیگر هستند چه آنکه با تحقق یکی از آن دو، دیگری واپس زده می‌شود؛ بنابراین آن دو، در واقع به دو مرحله تحول اجتماعی متوالی مربوط می‌شوند» (۱۱) احتمالاً بلحاظ سرعت انتقال جامعه بشری از سازمان توتمی به سازمان خطه‌ای است که شناخت توسعه و رشد بیمه در اینگونه مناطق اولیه اجتماعی، ناشناخته می‌ماند.

۷- ر.ش به کتاب سابق الذکر مورس مجلد یکم ص ۲۱ و نیز به اثری از دوبورگ بنام میراث جهان باستان:

*The Legacy of ancient . P. 11 .*

و تاریخچه‌ای از زمانهای باستان اثر بریسته

*A brief history of Ancient times .*

۸- ر.ش به اثر سابق الذکر ولز ص ۱۶۰ و ۱۶۱ و نیز کتاب سیری در تاریخ اترتوئین بی :

*A study of history pp. 68, 74.*

۹- ر.ش به کتاب «از قبیل تا امپراطوری» اثر دیوی و سورت

*From tribe to empire P. 55 .*

۱۰- ر.ش به اثر پیشین ص ۵۸ .

۱۱- ر.ش به اثر فوق الذکر ص ۵۷ .

در بررسی بیشتر در خصوص گروههای بت پرست تاریخ باستان، یعنی زمانی که بیمه در آن گروهها سامان گرفته، به صحرائی بین مصر و بین النهرین که در آنجا، جماعتی از مردم بت پرست در جوار مردم ساکن در دره‌های حاصلخیزی که پیش از این بدان اشاره شد، زیست می‌کردند بر می‌خوریم؛ زمانی که این مردم در دره‌های حاصلخیز جایگزین می‌شدند، جامعه‌ای بت پرست از اعراب در صحاری عربستان شکل می‌گرفت (۱۲).

برخلاف مردم فارغ البال و ناز پرورده، اعراب مردمی شجاع، مقاوم و جنگجو بودند، که اشتیاق وافری به ماجرا جوئی و غارت داشتند و آن صفات را در تهاجمها ظاهر می‌ساختند و این ویژگیها در جمع عوامل دیگر، موجب تشکیل قبایل می‌گردید.

برای آنکه دریا بیم جامعه آنها آنگونه بوده که موجب ظهور بیمه گردیده باشد، لازم است خصائص جمعیتی و حکومتی و قبیله‌ای در رسوم آنها را مورد بررسی قرار دهیم:

عربستان، محل زیست اعراب، صحرای پهناوری است که از سه جانب بوسیله دریا احاطه شده است. «در ظاهر، عربستان همچون خطه‌ای سه گوش و نفوذ ناپذیری است که بین دو کشور از قدیم ترین تمدنهای بشری یعنی مصر و بین النهرین قرار گرفته است.» (۱۳)

«از نظر جغرافیائی، بلحاظ انزوای آن، گرچه امپراطوری‌های بزرگی در آن طرف مرزهای آن قرار داشته.» (۱۴) نفوذ چندانی بداخل جزیره انجام پذیر نبوده است. «سرزمینی را که آن خطه در برمی‌گیرد، بالغ بر یک میلیون مایل مربع است، یعنی بیش از هشت برابر وسعت بریتانیا و نیم آمریکا و مرکز آن چون قطعه‌ای مرتفع است که بر اطراف آن صحاری احاطه دارد.» (۱۵)

۱۲- رش به اثر سابق الذکر ولز ص ۱۶۱.

۱۳- رش به «سیری در تاریخ اسلام» اثر جاسباتان.

A concise history of Islam . P. 6 .

۱۴- رش به «سیری در تاریخ تمدن بشر» اثر سوائین.

A history of world civilization . p. 222 .

۱۵- رش به کتاب «منزلت تابناک عرب» تألیف ککک.

The Arab's Place in the Sun . p . 21 .

اعراب از تبار سامی هستند که مدعیند سلاله آنها به شیم یکی از پسران نوح نبی می‌رسد. (۱۶)

آنها هم عصر مردمان تمدنهای اولیه در دره‌های نیل و فرات و دجله هستند (۱۷).

سرزمین عربستان محل سکونت بدویهای قبیله نشین بوده که از محلی به محل دیگر می‌کوچیدند و با احشام نحیف خود در پی تهیه آب و علوفه، سرگردان دشتها بوده‌اند.

زندگی پر مشقت و احتیاج آنها به مایحتاج اولیه، آنان را مردمی قوی و فعال بارآورده بود. هر نوع تمرکز جمعیت در صحرا بلحاظ فقدان منابع غیرممکن می‌بوده و بعلاوه مقابله با خطرات زندگی در حال کوچ، از توان یک فرد خارج بوده است، لذا «اعراب مجبور بوده‌اند که در قالب گروههای خویشاوندی در آیند، و خانواده درحد وسعت خود به قبیله تبدیل و از طریق زاد و ولد وابسته بهم و اشتراك منافع با هم متحد می‌شدند.» (۱۸)

نقش تهاجمات در زندگی بادیه‌نشینان مهم است، غارت احشام، اسیر گرفتن زنان و کودکان قبایل دیگر و مرجعاً قبیله متخاصم، و اجتناب از خونریزی زیاد که باعث جنگهای خونی گردد، کل زندگی آرمانی بادیه‌نشینان را تشکیل می‌داده است.

زنان و کودکان اسیر، خرید و فروش می‌شدند و غنائم حاصله، مطابق قاعده‌ای ثابت تقسیم می‌گردید. شیخ یعنی سرپرست قبیله و حافظ حیثیت آن، که لاجرم تدارك وسایلی برای تحقق این امر را نیاز داشت سهم عمده‌ای از غنائم را صاحب می‌شد و از سوئی دیگر هنگام ورود زیان بر قبیله غارت شده، همگان

۱۶- ر.ش به کتاب «تاریخ تمدن قدیم»

Verschoyle : History of ancient civilization . p . 8 .

اثر ورشوئل و نیز به کتاب «اسلام اثرگیلوم Guillaume ص ۲.

۱۷- ر.ش به اثر سابق الذکر ولز ص ۱۶۱.

۱۸- ر.ش به کتاب «اسلام و شناخت منش فرد مسلمان» تألیف سرویر.

Islam and the Psychology of Musalman . p . 22 .

مكلف به جبران زبان هستند و از شیخ نیز انتظار مشارکت در این تکلیف می‌رفت؛ زیرا در مرحله تهاجم قبایل دیگر چنانچه نه خون‌بھائی پرداخت شود و نه پذیرفته شود، خونریزی حاصله ممکن است به انهدام کامل قبیله بیانجامد. (۱۹) آنچه گفته شد، شرح دقیقی از زندگی گروهی اعراب است. «زندگی مشقت بار صحرا توأم با موقعیت جنگ افروزانه ناشی از تهاجمات و خونریزی، صرفاً باعث اتحاد و پیوستگی اعضاء هر گروه با یکدیگر شده، به آن حد که برداشت ذهنی آنان از زندگی بمثابه یک فرد شد.» (۲۰) و این نمونه عالی اتحاد و یگانگی است که بر پایه آن، گروه همچون یک واحد اجتماعی عمل می‌کند؛ و در این وضعیت این واحد اجتماعی نه فقط، فقدان یک فرد از اعضاء خود را فقدان تمامی خود می‌داند، بلکه رأساً اقدام به جبران این ضایعه می‌نماید که چیزی جز بیمه نیست.

پرداخت خون بها از سوی گروه، در واقع مشکلی از بیمه است تا صدمه وارده بر فرد را کاهش دهد. این عملکرد بصورت رسم و آئینی در می‌آید که در کتب فقهی از آن بعنوان «معاقل» نام برده شده است. برای نمونه در کتاب «هدایه» (۲۱) کلمه معاقل جمع (معقله) معادل خون بهاء بکار برده شده است. این واژه از کلمه (عقل) مشتق شده و در مفاهیم گوناگونی بکار رفته است؛ در اصل، بنظر میرسد این واژه به مفهوم «بستن پای از جا در رفته شتر» (۲۲) باشد، که بعداً به مفهوم خون بهاء نیز بکار رفته است، چه آنکه، خون بهاء نیز قیدی است برگردن (عاقله) یعنی آنهایی که مکلفند خون بهاء را بپردازند. در کتاب شرح لمعه در بررسی معنی واژه عاقله احتمالات زیر داده شده است:

«الفد از ریشه عقل باشد، یعنی بستن و از اینجاست که ریسمان را نیز

۱- ر.ش به دائرة المعارف اسلام مجله یکم ماده Arabia اثر Degoeje ص ۳۷۵ .  
 ۲- ر.ش به دائرة المعارف شامبر چاپ جدید مجلد دوازدهم ص ۶۶. تحت عنوان روانشناسی اجتماعی.

#### Social Psychology

۲۱- ر.ش به هدایه «کتاب المعامل» مجلد چهارم ص ۶۵۰-۶۴۱ .  
 ۲۲- ر.ش به فرهنگ عربی «المنجد» ذیل واژه عقل.



«عقال» می‌نامند و چون عاقله، شتران را به‌عنوان خون‌بهای معقول در آستانه خانه ولی مقتول که مستحق دیه است می‌بندند، لذا آنان را عاقله نامیده‌اند.  
ب- استعمال این واژه بخاطر آنستکه آنان متحمل «عقل» یعنی دیه می‌گردند و از این جهت دیه را عقل گویند که زیان ولی مقتول را می‌بندد.

ج- عاقله از ریشه عقل بمعنای منع است، از این جهت که قبل از اسلام، بستگان قاتل بوسیله شمشیر از آسیب ولی مقتول به‌شخص قاتل مانع می‌شدند ولی اسلام دستور داد که با پرداخت مال او را از انتقام منع کنند. (۲۳)

در حدیث مشهور نبوی «اعقل بعیرک و توکل علی‌الله» نیز به همین معنی بکار رفته است و مولوی همین مضمون را در مثنوی معنوی چنین آورده است: «گفت پیغمبر به‌آواز بلند با توکل زانوی اشتر بپند» این مطلب بین اصل و آئین اعراب باستانی است که بر طبق آن همه قبیله موظف به پرداخت خون‌بها بوده‌اند، و این «روحیه تعاون و تعاضد جمعی بوده که بحق منشاء پیدایش بیمه تلقی گردیده است.» (۲۴)

بررسی و تحلیل رسم کهن خون‌بها، ما را در درک ماهیت بیمه که در میان قبائل عرب مرسوم بوده مدد می‌کند. هدف از بیمه چنانکه گفتیم، ایجاد قاعده‌ای در قبال خطرات است که جمعی از افراد بالسویه در آن مشارکت دارند؛ و با سهیم شدن در جبران خسارت، سنگینی باری را که بر دوش یک تن است کاهش داده و آنرا متوجه تمامی جامعه می‌گردانند (۲۵). بدین ترتیب «بیمه مزبور نوعی جبران دو جانبه یا متقابلی است» (۲۶) که از سوی گروهی که رویاروی یک خطر مشترک هستند، برای تأدیه خسارات اتفاقی، صورت پذیر می‌شود.

گروهی که از طریق علقه خونی با هم متحدند، بگونه‌ای در پی نجات اعضاء

۲۳- ر.ش به شرح لمعه دوجلدی؛ جلد دوم ص. ۴۲ و حواشی آن.

۲۴- ر.ش به مدخل بیمه insurance در چاپ جدید سجلد هفتم دائرة المعارف شامبر

ص ۶۱۷.

۲۵- ر.ش به منبع پیشین.

۲۶- ر.ش به کتاب واقعیات و معضلات بیمه تألیف سنس.

Insurance : Facts and problems . p . 16 .

خود هستند که این اقدام شرکت همگانی و متقابل آنان را در جبران خسارات واقع بمنصبه ظهور می‌رساند؛ لذا این مورد را «در زندگی گروهی اعراب، وقتی که به جبران جمعی اموال غارت شده یک قبیله اهتمام می‌ورزند، می‌توان مشاهده کرد.» (۲۷)

ولی زمانی که مسئله فقدان جان آدمی مطرح باشد، کسانی که از آن فقدان صدمه دیده‌اند و به رنج افتاده‌اند محق می‌بودند که بابت دست یازند، و این مورد اغلب به خونریزی و مالا به انهدام کامل هر دو طرف منتهی می‌گردیده است. جهت احتراز از این خونریزی و نابودی، این رسم بنیان گردید که مطابق آن، فقدان جان آدمی از سوی تمام افراد قبیله، بصورت پرداخت خون بها، جبران می‌شد و عضو یا اعضائی که خطا را مرتکب شده بودند، مصون می‌ماندند. در مقابل این سابقه تاریخی، «پرداخت خون بها که نمونه‌ای از «بیمه متقابل» بوده است، نوعی بیمه واجد خصیصه اجتماعی با اثری اقتصادی پیدا می‌شود.» (۲۸)

#### تعریف بیمه متقابل

«در بیمه دو جانبه یا متقابل، اعضاء هم خود بیمه گزارند و هم بیمه‌گر» (۲۹)  
«این نوع بیمه مزیت خاص خود را داراست، زیرا فارغ از هر نوع سودجویی که به بهای فقر دیگران فراهم شود» (۳۰)، نوعی تأسیس اجتماعی قلمداد می‌گردد که تصدآن کاهش مسئولیت مالی و جانی فرد است و نتیجتاً با تقسیم این بار بین اعضاء گروه، فرد خاطی سبکبار می‌شود.

اختلاف و تفاوت بارزی بین تأسیس بیمه متقابل واقعی و سایر انواع بیمه وجود دارد زیرا «در نوع اول خسارات از پیش برآورد نمی‌شود» (۳۱)، بلکه

۲۷- ر.ش به اثر پیشین de Goejo ص ۳۷۰.

۲۸- ر.ش به اثر گروهی موجب و دیگران بنام تجارت جدید:

Modern business . p . 1 .

۲۹- ر.ش به اثری از سورگان بنام «قواعد بیمه».

Porter's laws of insurance . p . 74 .

۳۰- ر.ش به «بیمه معاوضتی اثر بار»:

Cooperative insurance . pp. 101 , 102 .

۳۱- ر.ش به اثر فوق‌الذکر.

زمانی که خسارات حاصل شد، به تأمین و جبران جمعی آن اقدام می‌شود، در حالیکه در نوع دوم خسارات تقسیم نمی‌گردد، بلکه وجوهی برای جبران زیان تدارک می‌گردد، که این وجوه بر طبق زمینه‌های قبلی یقین گشته و شیوه محاسبه خسارات را بیمه‌گر ابداع و قانونگذاران معاصر رقم آن را معین می‌نمایند. و در ویژگی اجتماعی بیمه را در بیمه فردی مستحیل می‌کنند که عملی سرمایه‌دارانه است. بیمه در شکل جدید و فعلی خود، جنبه متقابل خود را از دست می‌دهد. اگرچه «منیز» با فرض استقلال اقتصادی بیمه‌گزار از طرفی و استقلال بیمه‌گر از طرف دیگر چنین اظهار عقیده می‌کند که «تمامی انواع بیمه دوجانبه و متقابل هستند»<sup>(۳۲)</sup>. تعریف او از متقابل بسیار وسیع و شامل نه فقط «شرکتهای سهامی متعهدین و انجمنها، بلکه اتحادیه‌های دارای صندوق قرضه که نسبتاً از مفهوم و قالب دو جانبه بدورند نیز می‌گردد»<sup>(۳۳)</sup>.

چگونه می‌توان نظر او را معتبر دانست در حالیکه بیمه در شکل جدید فعلی خود به حد یک عقد یا قرارداد فردی و خصوصی بین بیمه‌گر و بیمه‌گزار تبدیل شده است؟ این امر آن دو را بدو جانب کاملاً متمایز تفکیک میکند و بیمه‌گزار را به چندین واحد تقسیم می‌نماید که هر قسمت طبق میل بیمه‌گزار رابطه‌ای خاص با بیمه‌گر برقرار می‌کند که بطور قهری خسارات و به عبارتی خطرات متوجه بیمه‌گزار را تقبل می‌نماید. در واقع بجای توزیع و تسهیم، انتقال خسارات واقع می‌شود، حال باید دید، تفاوت بین توزیع و انتقال خسارات چیست؟

### الف- تفاوت بین انتقال و توزیع خسارات

توزیع و سرشکن کردن خسارات، ویژگی طرز عملکرد بیمه متقابل است و انگیزه آن واجد جهات انسان دوستی است و در واقع اصل سهیم شدن در مشقت و سختی یکدیگر است؛ و حال آنکه «انتقال خسارات، واجد خصیصه قمارگونه با انگیزه سودجویی است.»<sup>(۳۴)</sup>

۳۲- رش به اثر پیشین منز مجلد یکم ص ۵۸.

۳۳- رش به اثر سابق الذکر بارو ص ۴۱.

۳۴- رش به مقدمه «حقوق بیمه» نوشته مک‌گیلی واری.

نهاد بیمه متقابل در گروه‌های عرب، هرگز انتقال خسارات را اجازه نمی‌دهد، زیرا این امر مغایر با روح زندگی گروهی است. برای ایضاح مطلب به بررسی روانشناسانه گروه می‌پردازیم که در آن، اعضاء آن چنان بهم وابسته‌اند که شخصیت و ذهنیت فردی خود را از دست می‌دهند تا آنجا که به افراد «درون گروهی» مربوط می‌شود در واقع «همه برای یکی و یکی برای همه». (۳۵) شعار آنهاست و در حقیقت تمامی افراد در گروه مستحیل می‌شوند و گروه به تنهایی مسئول اعمال افراد است». (۳۶) گروه استیفاء کننده حقوق و ضامن خسارات آنها و پاسخگوی اعمال آنهاست. با چنین وضعی مسئله انتقال خسارات ممکن نیست بخصوص زمانی که طرف دوم یا اشخاص خارج از گروه وجود نداشته باشد، انتقال خسارات فقط در شرکت‌های سهامی و سایر انجمن‌هایی مطرح است که در آنها، منافع مادی مطرح باشد. براین مبنا «نهادهای بیمه» به دو دسته قابل تقسیم‌اند: متقابل و تملیکی» (۳۷).

### ب- بیمه متقابل و بیمه تملیکی

در شرکت‌های تملیکی، بیمه‌گزار موظف است مبلغ معینی که حق بیمه نامیده می‌شود بپردازد، در مقابل بیمه‌گر نیز متعهد پرداخت خسارات حسب قرارداد منعقد می‌گردد. در این حالت «بیمه‌گزار در واقع تابع خطمشی معینی است و نه عضو است و نه در امور شرکت مشارکتی دارد. بطور خلاصه آنکه او ذینفع در شرکتی که دیگران از طریق بیمه‌گری از آن منتفع می‌شوند، نیست».

نهاد حقیقی بیمه متقابل، در واقع از سوی کل اعضاء تأسیس و اداره می‌شود و در واقع «اعضاء از شرکاء آن محسوبند» (۳۹). در این نهاد، حق بیمه لزوماً

۳۵- ر.ش به اثر سابق الذکر ترنر ص ۸۱ و ۸۰.

۳۶- ر.ش به مبحث حقوق و اجتماع در کتاب «سیرات اسلام» نوشته سانیتلانا.

The legacy of Islam . p . 248 .

۳۷- ر.ش به اثر پیشین.

۳۸- ر.ش به اثر پیشین.

۳۹- ر.ش به اثر سابق الذکر نوشته بارو ص ۳۹.

پرداخت پول نیست، بلکه «تعهد به مشارکت در جبران خسارات وارده بر سایر اعضا است»<sup>(۴۰)</sup>.

در نتیجه می‌توان گفت: بیمه متقابلی، که در بین اعراب رایج بوده، در واقع در قالب اتحادیه‌ای بوده که توسط بیمه‌گزاران، تاسیس می‌شده و اعضا متعهد می‌گردیدند که نسبت به خساراتی را که بر یکی از اعضا گروه وارد می‌آمده، جبران نمایند.

### ج - خون بهاء Blood wite

خون بهاء نوعاً به (دیه) یا (عقل) تعبیر می‌شود و عبارت است از تاوانی که بوسیله قاتل به گروه یا خانواده مقتول یا (مجنی علیه) تأدیه می‌گردد. در واقع بر جانی است که تاوان را بپردازد، لکن چنانچه قاتل از اعضا یک «گروه» بوده باشد «گروه» پرداخت آن را تقبل می‌کند.

گفته شده در عصر جاهلیت بهائی که در قتل پرداخت می‌شده، ده شتر ماده بوده است. عبدالمطلب جان فرزند خود عبدالله را با قربانی کردن صد شتر ماده (که بعثت تکرار قرعه چنین مقرر شده بود) نجات بخشید؛ و از آن تاریخ صد شتر ماده میزان جان یک انسان شناخته شد و این میزانی است که در نامه حضرت محمد (ص) به عمر بن حزم آمده است. در همان نامه تاوان ضربه نافذه بر مغز، یا شکم، یک سوم این مقدار و در مورد فقدان یک چشم، دست یا یک پا، نیم آن مقدار و فقدان یک دندان یا جراحی که به استخوان برسد، پنج شتر ماده تعیین گردیده است. عمر بهای نقدی صد شتر را معادل یک هزار دینار یا دوازده هزار درهم تعیین کرد. اولی را برای مردم صاحب طلا یعنی مردم بصر و سوریه و دومی را برای مردم صاحب نقره یعنی مردم عراق قرار داد، و مقرر شد که «می‌توان آن تاوان را طی دوره‌ای سه یا چهار ساله پرداخت نمود»<sup>(۴۱)</sup>.

۴۰ - رش به کتاب «حقوق بیمه تألیف پرستونگ کولین وو:

The law of insurance . p . 1 14 .

۴۱ - رش به مقاله وایر بنام «دیه» در دائرة المعارف اسلامی:

Encyclopedia of Islam, Volume one . pp. 980 , 981 .

و نیز سیره ابن هشام جلد یکم ص ۱۰۳ .

مزایای این رسم در واقع این بود که جانشین انتقام خونی گردید. چه آنکه مطابق رسوم بدوی، «خون در مقابل خون قرار داشت و هیچ نوع تاوان دیگری جز خون برسمیت شناخته نمی‌شد»<sup>(۴۲)</sup>.

التزام به انتقام، نفوذ و سیطره عظیمی بر وجدان عرب بت پرست داشت. انتقام نزد آنان همچون یک ضرورت حیاتی تلقی می‌شد که «چنانچه تبعیت نمی‌گردید، فرد خاطی از خواب و خوراک و سلامت محروم می‌گردید»<sup>(۴۳)</sup>. عطش انتقام، ذاتاً آنچنان شدید بود که هیچ چیز جز خون نمی‌توانست آنرا فروکش سازد. حس انتقام‌طلبی در تمامیت شدت خود، ناشی از این اعتقاد بود که روح مقتول، آرام ندارد و بصورت عقابی بر بالای گور خود ظاهر شده و فریاد می‌کشد: «از خون قاتلم مرا سیراب کنید»<sup>(۴۴)</sup>. و بدین ترتیب انتقام سهمناکی از قاتل یا یکی از اعضای قبیله او کشیده می‌شد. معمولاً با این انتقام کار فیصله می‌یافت، لکن بعضاً در مواردی به یک سلسله خونریزی‌هایی از سوی هر دو طرف درگیر مسئله منجر می‌گردید.

جنگ (بسوس) که مدت چهل سال ادامه داشت و به انهدام هر دو طرف مخصوصه انجامید، ناشی از پندار انتقام خونی بوده است. رئیس قبیله (تقلب) در کمال غرور و سرمستی برادرزن خود (جاس) را بر آن داشت تا (کلیب) را به قتل برساند، و چون مباشرت به انتقام برعهده نزدیک‌ترین خویش او بود، (در این قضیه نزدیک‌ترین کس برادر او بود) لذا او جوانی از قبیله (جاس) را به قتل رساند به این تصور که قتل آن جوان برابر با جان کلیب است اما عکس‌العمل اهانت بار این بود که متقابلاً گفته شد:

«جان آن جوان، فقط در حد ارزش بند کفش (کلیب) بوده است»<sup>(۴۵)</sup>، بدین

۴۲- ر.ش به اثری از هیتی بنام تاریخ اعراب:

History of the Arabs . p . 26 .

۴۳- ر.ش به تاریخ ادبیات عرب نوشته نیکلسون:

Litrary history of Arabs . p . 58 .

۴۴- ر.ش به اثر پیشین ص ۹۴ و «تاریخ باستانی عرب» اثر لیال:

Ancient Arabic history . p . 67 .

۴۵- ر.ش به اثر پیشین نیکلسون ص ۵۸ .

ترتیب قضیه شکل حادی به خود گرفت و جنگی خونین پی آمد آن بود. صرفاً برای اجتناب از این آثار و عوارض بسیار ناهنجار و سهمناک بود که رسم پرداخت خون بها پدید آمد و شتر به عنوان تاوان پذیرفته گردید؛ و این تاسیس شعله جنگ‌ها را خاموش ساخت و سازش و صلح را میان قبیله‌های در جنگ برقرار نمود و جراحات طرفین متخاصم را مرهم نهاد و در این باره به اشاره خاصی در شعر عصر جاهلیت در اثر «بشامه» شاعر وجود دارد:

«پیشانی گشاده و سرافراخته‌ایم، سفره‌هایمان همواره گسترده است، چون ما زخم‌هایی را که با دست‌هایمان بوجود آورده‌ایم با گنجینه‌هایمان التیام می‌بخشیم»<sup>(۴۶)</sup>.

به علاوه به نقلی از (عدی) به یک معلقه از (زهیر) بر می‌خوریم که حاکی از همان نظر و احساس در خصوص انتقام خونی است<sup>(۴۷)</sup>.

این معلقه جای ویژه‌ای در میان «معلقات سبع» دارد که حسب نقل تواریخ معتبر، از برجسته‌ترین اشعار به نمایش گذاشته شده در بازار (عکاز) بوده و در مکان مقدس و حرم امن کعبه در مکه آویزان می‌شده است. در این معلقه شاعر، جوانمردی دورئیس قبیله از قبیله (دبیان) یعنی (حارث بن عوف) و (حازم بن سنان) را می‌ستاید که اقدام به خونریزی انتقامی نکردند، بلکه خون بها پرداختند تا جنگ (داهیس) را به پایان برند.

آن شاعر چنین سروده است: «آن جراحات با عرضه صدها حیوان، التیام پذیرفت»<sup>(۴۸)</sup>.

در این شعر واژه (حیوان) اشاره به شتر است، که به عنوان وجه رایج دوره جاهلیت بوده است. این قاعده در حالتی که عضوی از قبیله توسط عضوی از قبیله دیگر کشته یا زخمی می‌شود نیز اعمال می‌گردیده است.

قبیله مقتول حق داشت که از قاتل یا از قبیله او انتقام گیرد. وظیفه مباشرت

۴۶- رش به اثر سابق الذکر لیا ل ص ۱۸۰.

۴۷- رش به «آغانی» نوشته ابوالفرج مجلد ۹ ص ۱۴۶.

۴۸- رش به اثری از آریبری به عنوان معلقات سبع

به انتقام، البته به کمک قبیله برعهده نزدیکترین خویش مقتول بود. گرچه به گفته (وات) مرجح آن بوده که مجازات بر شخص قاتل که باعث قتل یا جراحت بوده اعمال شود، لکن می‌توانسته بر هر یک از اعضاء قبیله یا کلان قاتل بجای قاتل وارد شود»<sup>(۴۹)</sup>. بدین ترتیب در آخر «معلوم می‌شود که هم مسئولیت نفس عمل (قتل یا جراحت) وهم اعمال انتقام جنبه اجتماعی و کمونی داشته است»<sup>(۵۰)</sup>. رسم غالب در میان اعراب باستانی این بوده که کل قبیله موظف بوده خون‌بها را تأدیه نماید.

اصل مجازات مطابق نظر الف. رحیم، این بوده که: «جبران تمام جرائم علیه فرد قابل تبدیل به خون‌بها یا تاوان جراحت بوده است و چنانچه جراحت منجر به فوت می‌شده، فقدان حاصله فقدان از برای قبیله یا فامیل متوفی محسوب می‌شده و لذا این حق آنان بوده که جبران آنرا از قبیله یا خانواده مرتکب بخواهند»<sup>(۵۱)</sup>. و قضیه با تأدیه صد شتر در حالتی که مرگ حادث شده بود، رفع و رجوع می‌گردید. اما بعضاً قضیه به قسامه می‌کشید یعنی وقتی که شخص متهم منکر ارتکاب عمل می‌گردید، قبیله متهم در مورد بیگناهی او سوگند یاد می‌کرد. این حالت در شرایطی واقع می‌شد که در واقع بین قبیله متهم و قبیله شاکی مودت و دوستی برقرار بود.

موردی در «صحیح بخاری»<sup>(۵۲)</sup> به آن اشاره شده که این معنا را بخوبی نشان می‌دهد:

فردی از خاندان بنی‌هاشم توسط مردی بنام (خدیش) که به خاندان دیگری از قریش وابسته بوده، اجیر می‌شود که با او به سوریه برود و شترهایش را تیمار کند. در بین راه، مرد اجیر بدون اطلاع اربابش افساری از شتران را به مردی

۴۹- ر.ش به اثری از «وات» بنام محمد (ص) در مدینه.

Muhammad at Medina . p . 262 .

۵۰- ر.ش به کتاب «خویشاوندی و نکاح در عربستان قدیم اثر رابرتسون اسمیت

Kinship and Marriage in early Arabia . p . 64 .

۵۱- ر.ش به کتاب «فقهت محمدی (ص)». اثر الف. رحیم

Muhammeden Jurisprudence . p . 6 .

۵۲- ر.ش به «صحیح بخاری» مجلد چهارم باب «اعیان الجاهلیه» ص ۲۲۰.



عابر سپرده بود، ارباب بخشم آمد و سنگی بر او پرتاب کرد که اتفاقاً بر جای حساسی از بدن مرد اجیر اصابت کرد و او را کشت. اما قبل از مرگ از مردی یمنی که از آنجا تصادفاً عبور می‌کرد، درخواست کرد که در مراجعت به مکه به ابوطالب رئیس قبیله او بگوید که چگونه او بخاطر فقط افساری کشته شده است. بعداً که ارباب به مکه بازگشت، ابوطالب از او در خصوص آن مرد بازخواست کرد و او اظهار داشت که آن مرد اجیر در راه بیمار گشت و بمرد. متعاقباً مرد یمنی که توسط مرد مقتول مأوریت یافته بود که پیام را برساند به مکه باز آمد، و پیام را به ابوطالب ابلاغ کرد. در این موقع کسی که متوفی را اجیر کرده بود بدور کعبه طواف می‌کرد. یکی از اعضاء خاندان بنی هاشم بر او وارد شد و با زدن ضربه‌ای باو گفت: تو یکی از مردان ما را کشته‌ای، اما (خدیش) اتهام را رد کرد. بعداً ابوطالب نزد او رفت و گفت: یکی از این سه چیز را که به تو پیشنهاد می‌کنیم بپذیر:

«اگر مایلی صد شتر در ازاء مردی که از ما کشته‌ای بازده، یا اگر می‌خواهی پنجاه مرد از قبیلهات حاضر کن که سوگند یاد کنند تو مرد ما را نکشته‌ای. و چنانچه هیچکدام را نپذیری به خونخواهی او ترا می‌کشیم. اما مطابق نقل (زبیر بن بکار) هر دو طرف، قضیه را نزد (ولید بن المغیره) کشاندند، او حکم کرد که ۱۰ نفر از قبیله (بنی امیر) یعنی قبیله مرد متهم، باید در مقابل کعبه سوگند یاد کنند که (خدیش) آن مرد را نکشته است. (خدیش) با خویشان خود به مشورت پرداخت، و آنها گفتند که سوگند یاد می‌کنند که او آن مرد را به قتل نرسانده است. آنگاه زنی از بنی هاشم که به نکاح مردی از قبیله بنی امیر درآمده بود، و از قبل دارای پسری بود به نزد ابوطالب آمد و تقاضا کرد پسر او نیز بعنوان یکی از پنجاه نفر سوگند یاد کند. ابوطالب با این تقاضا موافقت کرد. بعداً مردی از خاندان متهم به نزد ابوطالب آمد و گفت: تو می‌خواهی که پنجاه نفر بعوض تأدیه صد شتر سوگند یاد کنند، بنابراین چنین است که دو شتر در قبال سوگند هر نفر قرار می‌گیرد. از من دو شتر بپذیر و مرا از آمدن به سوگند گاه معاف بدار. ابوطالب دو شتر را پذیرفت و ۸ و ۴ نفر دیگر نیز آمدند و سوگند یاد کردند» (۴)

این رسم واجد چندین اثر قابل توجه است: ۱- این رسم تعادل قبیله‌ای را حفظ و بدین ترتیب با قدرت تأدیه تاوان از سوی هر قبیله، اعمال خشونت از سوی سایر اعضاء قبیله دیگر را زایل می‌سازد. ۲- این رسم کمک بزرگی به امنیت اجتماعی است، زیرا از آنجا که کل قبیله مسئولیت مشترک در جبران و تأدیه تاوان دارد، لذا بر اعمال اعضاء خود نظارت می‌کند و مانع تکرار خطای آنان می‌شود. ۳- این رسم بار تأدیه خسارت را از دوش فردی که مسئول پرداخت خون‌بهاست بر می‌دارد. ۴- این رسم از خونریزی جلوگیری می‌کند که در غیر آن صورت به‌انهدام کامل قبایل درگیر منجر می‌گردید و بالاتر از همه: ۵- این رسم حاکی از نهایت اتحاد و تعاون بین اعضاء هر قبیله است که چیزی جز یاری متقابل نمی‌توان بر آن نامی نهاد.

#### د- تأیید این رسم در اسلام

محاسن و مزایائی که در فوق توضیح داده شد، این رسم را بصورت یکی از فضائل درخشان دوره جاهلیت در آورد و بنابراین این رسم با این سخن پیامبر (ص) که فضائل جاهلیت در اسلام مورد قبول قرار می‌گیرد، وارد اسلام شد. پیامبر (ص) در قضیه زنی که از قبیله (هدیل) بود با دستور اجرای آن، خود عامل به آن رسم گردید. این رسم ادامه یافت و حتی «عمر خلیفه ثانی به‌نوبه خود دستور داد که فهرستی از مؤمنین جنگاور در نقاط مختلف تهیه شود و اشخاصی که ناشان در آن فهرست بود نسبت بهم معاضدت داشتند و در مرحله حدوث قتل مشترکاً ملزم به تأدیه خون‌بها بودند» (۴۰).

این رسم در زمان حیات اصحاب اعمال میشد و نه تنها هیچکدام از اصحاب مخالفتی با آن نداشتند بلکه می‌توان گفت: «همگی نسبت به اعمال آن قضیه متفق القول بوده‌اند» (۴۰). در واقع این امر حاکی از رعایت عمومی حال مجرم بوده که مفهوم (عاقله) پیدایش یافت؛ و صاحب (هدایه) چنین اظهار نظر می‌کند که

۴۰- ر.ش به «دائرة المعارف اسلامی» مجلد یکم مقاله «Akila» - «عاقله» نوشته جوئین

بال ص ۲۴۰.

۴۰- ر.ش به کتاب «هدایه» اثر سرغینانی «کتاب المعاقیل» ص ۶۴۲.

«چنانچه جمعیتی متشکل از کارآمدان باشند که نسبت بهم بعنوان عاقله در تعاون باشند، تمامی آنهائی را که به آن جامعه وابسته‌اند، تحت پوشش خود خواهند داشت»<sup>(۶)</sup>. انجمن‌ها و سازمانهای بدین ترتیب پا گرفت و به اعمال این رسم همت گماشت که در واقع ییمه دو جانبه (متقابل) شکل عملی بخود گرفت. نه فقط این امر بوقوع پیوست، بلکه تسهیلاتی نیز فراهم شد تا اینکه اعضاء چنین انجمن‌هایی بتوانند به اقساطی سهل و آسان طی دوره‌ای سه‌ساله تاوان را بپردازند.

صاحب هدایه هم چنین خاطرنشان می‌سازد که «وابستگان (اعضای) قبیله فزونی داده می‌شوند تا حصه پرداخت تاوان کاهش یابد تا آنجا که هر نفر بیش از سه درهم نپردازد»<sup>(۷)</sup>. و این مورد وقتی انجام پذیر بود که اعضاء از حیث شمار بسیار می‌شدند.

برای نشان دادن بیشتر اهمیت این سیستم در اسلام، به اشاره مکرر پیامبر (ص) باین رسم در جریان تأسیس حکومت نوظهور مدینه می‌پردازیم که مضمونی از آن بدین شرح است:

«بنام خداوند مهربان و بخشنده، این عهدهی است از محمد رسول‌الله بین مؤمنین و مسلمانان قریش و یثرب و آنهائی که از آنها پیروی کردند و بانها ملحق شدند و همراه آنان به جهاد پرداختند. آنها یک جامعه (امت) هستند جدا از دیگر مردم. مهاجرین قریش مطابق رسم جاری (علی ربعتهم) خون‌بها به کمک اعضاء خود می‌پردازند و اسیران (عاینهم) خود را همچون رسم معمول با پرداخت وجه آزاد می‌سازند. بنی‌عوف بر طبق رسم جاری خون‌بهای را که در عصر شرک و بت‌پرستی می‌پرداختند (معاملتهم‌الاولی) تأدیه می‌کنند، هر گروه باید اسیران خود را بر اساس عطوفت و رأفتی که بین مسلمین رایج است با پرداخت وجه آزاد سازند. همینطور قبیله بنی‌ساعده، بنی‌الحارث، بنی‌جشم و بنی‌النجار، همینطور بنی‌امر بن‌عوف، بنی‌البنیت، بنی‌الاوس، مؤمنین هیچکس را بدون تأدیه خون‌بها یا تاوان نمی‌گذارند. یک مؤمن با آزاد شدهٔ مسلمان دیگر علیه او متحد نمی‌شود. مؤمنین خدا ترس، طاعی نمی‌شوند، و هر آنکس که بی‌عدالتی

۵۶- رش به «بحرالرائق» اثر ابن‌نجیم مجلد هشتم ص ۴۰۰.

۵۷- رش به «هدایه سرغینانی» ملحد چهارم ص ۶۴۳.

می‌پراکند، یا معصیت و فساد در زمین می‌گستراند، دست هر مؤمن باید علیه او بکار افتد حتی اگر او پسرش باشد. یک مؤمن، مؤمنی دیگر را بخاطر یک غیر مؤمن نباید بکشد و نه مؤمنی غیر مؤمنی را علیه یک مؤمن کمک می‌کند. نصرت خداوند بر است بصورت واحد است و هیچکس نباید بیگانه‌ای را علیه مؤمنین نصرت دهد.

مؤمنین با یکدیگر دوست هستند و نباید بیگانگان دشمن را بین خود راه دهند. هر کلمی که از ما تبعیت کند به او کمک می‌شود و به مواسات با او رفتار می‌شود. با او نباید تعرض کرد و نه به دشمن او کمک نمود.

صلح بین مؤمنین تجزیه‌ناپذیر است یکی که آشتی کرد همه آن را می‌پذیرند. صلحی جداگانه زمانی که مؤمنین در جنگند منعقد نمی‌گردد مگر آنکه همه بر این امر اتفاق ورزند. در هر غنیمتی هر مؤمن باید مؤمن دیگر را شریک گرداند. مؤمنین باید انتقام خون یکدیگر را که در راه خدا ریخته می‌شود باز ستانند. خدا ترسان مؤمن از بهترین و برترین هدایت‌ها برخوردار می‌شوند. هیچ مشرکی حق ندارد مالی از قریش یا شخصی که تحت حمایت اوست بگیرد و نه رواست که در کار مؤمنین مداخله نماید. هر کس که مؤمنین را غیر موجه بکشد باید از او انتقام کشید مگر آنکه نزدیک‌ترین خویش او به خون بها رضایت دهد؛ همه مؤمنین در این حالت چون فردی واحد علیه او هستند و بر آنها تکلیف است که علیه او اقدام نمایند.

بهیچ وجه مشروع نیست مؤمنین که باین عهدگردن می‌نهند و مؤمنین به خدا و روز جزا، خطاکاری را یاری یا او را پناه دهند. لعنت و خشم خداوند در رستاخیز بر آنکس باد که چنین کند که نه توبه و نه عذر او پذیرفته نخواهد شد، هرآینه در قضیه‌ای اختلاف گردید به خدا و رسول او رجوع نمائید» (۸۰).

۵۸- ر.ش به کتاب «سیره النبویه» اثر ابن هشام مجلد دوم ص ۱۴۷ و همچنین به کتاب «زندگانی حضرت محمد (ص)» نوشته ویلوم.

The Life of Muhammad . p . 231 .

و اثری از لوی بنام «ساختار اجتماعی اسلام».

The Social Structure of Islam . p . 273 .

قسمت بعدی سند بموضوع مطروح مربوط نمی‌شود چونکه در رابطه با کلیمیان است. در اثر این سند یک‌پیکره سیاسی جدید در مدینه شکل گرفت. مهاجرین بعنوان یک کلان (چون عملاً به قبیله قریش تعلق داشتند) با هشت قبیله مدنی بمنظور تعاون، حمایت و دفاع متقابل ملحق می‌شوند و همگی بعنوان جامعه‌ای محسوب می‌گردند.

اعتبار این سند توسط «ول‌هاوسن» به‌ثبوت رسیده است؛ و مطابق نظر او «این سند بایست قبل از جنگ بدر» (۵۹) که در ماه رمضان سال دوم هجرت «مطابق با ماه مارس ۶۲۴ میلادی بین پیامبر (ص) و اهالی مکه رخ داده» (۶۰) نوشته شده باشد. بنابراین، تاریخ این سند که در کتاب میراث اسلام اثر ساتیلان، سال اول هجرت قید شده نیز صحیح بنظر می‌رسد (۶۱) محقق ارجمند دکتر سید جعفر شهیدی معتقد است که «در همان ماههای نخستین ورود پیامبر (ص) به مدینه صورت گرفته است» (۶۲).

#### ۵- عمل رسول الله (ص)

پیامبر اکرم (ص) در موارد عدیده، خود به این سنت عمل فرمود. شمس‌الدین سرخسی می‌گوید: «رسول الله (ص) دیه جنایت هر یک از انصار را برعهده - بستگان آنان قرارداد و مستند آن را سندی ارائه می‌دهد حاکی از آنکه رسول الله (ص) در جریان روزی که در حال منازعه یکی از آنان با چوب خیمه به شکم دیگری که حاصله بود زده و موجب سقط جنین وی گردیده، اولیاء ضاربه را محکوم به پرداخت دیه فرموده است. برادر ضاربه اعتراض کرد و با جملات موزونی چنین گفت: آیا جنینی که (علائم حیات از آن مشاهده نگردیده) نه گریه‌ای کرده و نه صیحه‌ای از آن شنیده شده و نه خورده و نه آشامیده دیه دارد؟! ... خون چنین

۵۹- ر.ش به‌اثر سابق الذکر «وات» ص ۲۲۵.

۶۰- ر.ش به «نعت‌نامه اسلامی» اثر هدگز.

۶۱- ر.ش به‌اثر سابق ساتیلانا ص ۲۸۵.

A Dictionary of Islam . p . 30 .

۶۲- ر.ش به «تاریخ تحلیلی اسلام» نوشته دکتر جعفر شهیدی ص ۶۴.

موجودی بهائی ندارد. رسول الله (ص) اعتراض وی را وارد ندانست و مجدداً به بستگان ضاربه فرمود به جملات مسجع و موزون او توجه نکنید، برخیزید و دیه او را پرداخت کنید» (۶۳).

### و- در زمان علی (ع)

در زمان خلافت حضرت علی (ع) این سنت به نحوی دقیق و با تشکیلات سازمان یافته اجرا می گردیده است، به سند ذیل توجه شود: «سلمة بن کهیل می-گوید: مردی را نزد امیرالمؤمنین (ع) آوردند که شخصی را خطائاً کشته بود؛ آن حضرت فرمود از چه قبیله ای هستی و بستگانت کیانند؟ پاسخ داد؛ من در این شهر بستگانی ندارم. پرسید اهل کجائی؟ جواب داد: اهل موصلم، در آنجا متولد شده ام و نزدیکیانم آنجا هستند.

آن حضرت مقرر فرمود که در کوفه در مورد او بررسی کردند و کسی از منسوبین او یافت نشد. آنگاه شرحی به عامل خود در موصل نگاشت و با پیکی همراه با قاتل به سوی وی فرستاد سببی براینکه در مورد قاتل تحقیق کند چنانچه افرادی که برابر مقررات ارث، وارث اموال او محسوب می شوند، وجود دارند آنان را ملزم کند که طی اقساط سه ساله دیه مقتول را پرداخت کنند. آن حضرت در این دستور فروض مختلفی مطرح و برای هر یک از فروض دستوراتی به عامل صادر می کند و در آخر می نویسد که چنانچه قاتل هیچ کس را ندارد، او را همراه فرستاده من برگردان تا خودم پرداخت کنم چرا که ولی او من هستم و خون هیچ مسلمانی نباید هدر رود» (۶۴).

با توجه به مراتب تصدیق می شود که سنت پرداخت دیه توسط عاقله در تاریخ اسلام به عنوان دیه متقابل یک سنت کاملاً زنده در ساختار زندگانی -

۶۳- ر.ش به «مبسوط سرخسی» چاپ مصر جلد ۶ ص ۶۶.

۶۴- ر.ش به فروع کافی ج ۷ ص ۳۶۴- تهذیب ج ۱۰ ص ۱۷۱- سن لایحضره الفقیه ج ۴

ص ۱۰۵ و نیز جهت ملاحظه نتاوی اصحاب امامیه و تعدد بررسی فقهی حدیث سراجیه شود به شرح لمعه ج ۲ ص ۴۲۰ و حواشی آن.

گروهی بوده و نقش کاملاً مؤثری ایفاء می‌کرده است. عواطف فامیلی را بنحو مقبولی تثبیت می‌نموده و از تفرق و پراکندگی و غفلت از یکدیگر و بی‌تفاوت نسبت به ارحام جلوگیری می‌کرده است.

بنظر می‌رسد که در زمان حاضر با توجه به گسترش زندگی اجتماعی و پیچیدگی‌های گوناگونی که ره‌آورد تمدن جدید است و از طرفی بوجود آمدن انواع و اشکال بیمه، اجرای حکم مزبور، نظام و تشکیلات بسیار وسیعی می‌طلبد که دستگاه کشور را با مشکلات اجرائی مواجه نسازد؛ و در این زمینه کارشناسان اجتماعی و صاحب‌نظران بیمه در تهیه طرح آن باید گام‌های مؤثری بردارند.

